

سوزن تو دست توتِه

تو دهنش ی سوتِه

موی بلندی داره

از او خبر نداره

(او اوّل / و غیر اوّل)

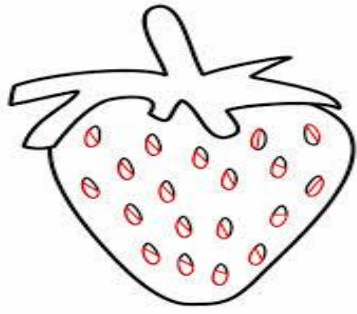
او و

	سود	مو	
بودم	مو		دود
	بودم	دود	مو
مو		بودم	سود

دود - بودم - مو - سود

املاي شب :

او و - سو - مو - دو - بو - سود - بود - بودم - دود - او با اسب آمد.



در توپ و تانک و تیشه

ت غیر آخر همیشه

در سوت ت ی آخره

آفتاب غیر آخره

این مرتبه تو تشت

آخر حرف رشت

ت غیر آخر / ت آخر (ت)

	دست		تب
توت			دست
تب	تا	دست	
	توت	تب	تا

تب - دست - تا - توت -

املاي شب:

ت - ت - تا - تو - تب - دست - است - تاس - دوست - بست - تاب - تا - توت - آسد

با سام دوست است. بابا سوت داد. او دست داد.